

واکسن

ویروس دین،
آگاهی است

بیاداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۲۲ کانون خردمداری ایرانیان
سال بیست و یکم - امرداد ماه ۲۵۸۰ ایرانی - ۱۴۰۰ عربیدروود بر ملت
ایران که به آوندها
رای نه دادند

خبر خوش

ملت ما چهل و چند سال انتظار کشید تا دستی از غیب برون آید و از بیرون کشور آن ها را نجات دهد. اینک مردم رنج دیده ما به این آگاهی رسیده اند که این خبرها نیست و کسی جز خودشان نمی تواند این مهم را انجام دهد به همین سبب برای نخستین بار با همبستگی اکثریت در ندادن رای، گام به میدان مبارزه ای مدنی، بی خطر و درست نهاده اند

مبارک باد این آگاهی

اگر چه برای رسیدن به این آگاهی تاوان سنگینی پرداختند

دکتر محمد علی مهر آسا

اسماعیل وفا یغمایی

آخوندهای بی ریش و بی عمامه بیرون از کشور

ما در داخل ایران آخوندها را نسل ها است که تجربه کرده ایم. از گذشته های دور از موقعی که ایران یک کشور سنی بود با عالمان سنی سر و کار داشتیم، اکثر بزرگان کشور ما نیز سنی بودند مانند خواجه نظام الملک، غزالی، عطار و مولانا و بسیاری دیگر.

سپس در دوره صفویان ما با رگبار آخوند های شیعی غیر ایرانی روبرو می شویم که از کوه های لبنان، از احصا، از عربستان و بحرین آمدند و در ایران تکثیر شدند. این دین جدید در ایران فرهنگ خودش را ساخت و در کنار و خدمت قدرت ها ایستاد و هر لحظه به رنگی بت عیار درآمد تا سقوط حکومت شاهنشاهی و آمدن جمهوری اسلامی، که به حاکمیت مطلق رسید و سگان های کشور را در دست گرفت.

مانده در رویه ۳

وضع خورشید از نظر خدائی که دینداران معتقدند افلاک را آفریده است!

برای اینکه پی ببریم که الله خالق جهان که به عقیده نادانان دیندار کائنات را او آفریده است چه میزان از فیزیک این کائنات آگاه است، مجبوریم به قرآن مراجعه کرده آیاتی را که الله موهوم در این مورد برای محمد کذاب فرستاده است، بررسی کرده و مورد دقت قرار دهیم.

دانشمندان فضائی و ستاره شناسان با تلسکوپ های بسیار قوی و فوق العاده دقیق دریافته اند که در فضا و کائنات میلیاردها کهکشان وجود دارد، و در هر کهکشان نیز تعداد میلیاردها ستاره و خورشید یافت می شود، و کهکشان راه شیری که در تاریکی شب آن را

مانده در رویه ۲

وضع خورشید از نظر خدائی که دینداران معتقدند افلاک را آفریده است!

مانده از رویه ی نخست

می بینیم، یکی از این هاست و زمین کوچک ما جزئی از این کهکشان است.

منظومه شمسی مورد نظر ما که زمین را نیز در برمی گیرد، دانه ی خشخاشی است در برابر کائنات، و خورشید با آن که یک میلیون برابر زمین است، در این کائنات نقطه ای بیش نیست! در هر کهکشان میلیون ها خورشید نیز وجود دارد که عظمت برخی از آنها میلیون ها برابر خورشید ما است. پس اندکی اندیشه و دقت لازم است تا حجم و عظمت کائنات لایتناهی را که در تصور نمی گنجد، حدس و گمان زنیم.

آیا چنین عظمت بی نهایت را مانند بناها خالق درست کرده است؟! زهی تصور غلط و زهی اثبات نادانی پیامبران بانی این دروغ بزرگ و نماینده خدای موهوم!!

برای این که به نادانی محمد در مورد دانش ها پی ببرید، لازم است چندین آیه که در مورد خورشید در کتاب جفنگ قرآن نوشته شده است مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

من عربی آیات را نمی نویسم چون هم وقت گیر است و هم برای خوانندگان مشکل آفرین و تنها به ترجمه آیات اکتفا می کنم.

آیه ۲ از سوره رعد:

«و خورشید و ماه را رام گردانید و در اختیار گرفت! و همه برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند!»

بر علمای اعلام دین اسلام لازم و واجب است به ما بگویند که رام کردن خورشید و ماه یعنی چه؟ مگر خورشید و ماه حیوانات وحشی در درون بیابان ها هستند که باید رام شوند و الله آنها را رام فرموده است؟! آیا جسم جامد رام کردن لازم دارد؟ مگر ماه و خورشید پیش از رام شدن توسط الله دروغین در حالت توحش به سر می بردند؟!

مگر این خدای دروغین خودش خالق این خورشید و ماه نیست؟ پس چرا از نخست رام شده خلق شان نکرد؟ مگر این الله خالق کائنات جسم جامد و موجود جاندار را نمی تواند از هم تفکیک کند؟!

درگیرودار فقر و بدبختی امام ناقص العضو ما دستور داده مردم دست به ساختن نوزاد بزند و برای بعد از فرزند چهارم دولت به هر نوزادی مبلغ سیزده میلیون تومان پرداخت خواهد کرد.

از محتوای این آیه معلوم می شود که آفریننده ای دیگر در ابتدا خورشید و ماه و دیگر ستارگان را وحشی آفریده و الله لطف فرموده و آنها را رام کرده است!!

همین آیات خدا فرموده نشان کمال نادانی ی فردی است که با کذب و دغل ادعا کرده است که فرستاده و پیامبر یک الله موهوم است و هر چه می گوید سخنان الله لاجود و وحشی است! خدائی که برای جامدات نیز مانند جانداران تکامل تصور می کند، بی ذره ای تردید باید به زباله دانی بیفتد!!

آیه ۳۳ از سوره ابراهیم:

«خداوند برای شما مسخر کرد خورشید و ماه را که گردانند و روز و شب را برایتان مسخر کرد».

اندکی در مفهوم دو آیه ذکر شده دقت فرمایید که چگونه خدای خالق کائنات، خودش این کائنات را نمی شناسد و خورشید را گردان می داند و معرفی می کند، یعنی کره ای ساکن را متحرک اعلام می کند!!

آیه ۲ از سوره رعد:

«خداست آن کسی که آسمان ها را بدون ستون درست کرد. آنگاه عرش را به وجود آورد و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر یک در مدار معینی سیر می کنند».

این سواد و معلومات خالق کائنات است از آنچه به زعم مومنان خودش آفریده است!!

این خدای نا آگاه نیز مانند آدمیان سده های گذشته نه آسمان را می شناخته و نه کرات درون فضا را، ولی خداپرستان معتقدند که این همه اجرام را آن موهوم نادان و نا بخرد آفریده است!!

من به آدمیان سده های پیشین ایرادی در مورد عقاید شان ندارم چون در فضائی فاقد خرد و دانش می زیسته اند. بل به باسوادان زمان کنونی که به این جفنگ ها باور دارند و ایمان آورده اند ننگ و نفرین می فرستم!

آخرین قول امام جامه عمل پوشید و بالاخره آب و برق هم مجانی شد. این ماه کسی پول آب و برق نمی پردازد. چون مردم نه آب داشتند نه برق!.

این سه جمله را هر کجا شنیدید، مواظب باشید، می خواهند جیب تان را بزنند:
۱- خداوند می فرماید
۲- پیامبر فرمودند
۳- روایت داریم

آخوند های بی ریش و بی عمامه بیرون از کشور

مانده از رویه ی نخست

رهبران این حاکمیت، خمینی، طالقانی، منتظری و لاجوردی همه مسلمان بودند و هستند، البته طبیعی است که این ها از مذهب خود دفاع کنند این ها بر اساس دین و آیین بیابانی خود می کشند و می سوزند، می دزدند. و خیلی طبیعی است اگر این ها از اسلام دفاع بکنند. ولی در کنار این ها ما با شاخه هایی دیگر روبرو هستیم که ظاهراً عمامه و ریش و عبا ندارند حتی بعضی ها شان کراوات هم می زنند و برخی از آنها در رویای خود به دنبال تحقق یک اسلام رحمانی هستند. اعتقاد آن ها می تواند صادقانه و به راستی مومن باشند. دسته دیگری از این مسلمان ها هستند که در تمام عمرشان یک رکعت نماز نخوانده و یک روز روزه نگرفته اند ولی به خاطر ایمان و یاسود خود و یا فقط به خاطر ایمان خود در کنار آخوندها ایستاده به آنها یاری های تخصصی، فنی و مشورتی می دهند یعنی چرخ کشور را برای آخوند های غیر متخصص و بی سواد به خوبی و در حد توانایی که دارند می چرخانند.

در میان این آخوند های بی ریش و بی ریشه هستند کسانی که با حکومت زاویه سیاسی و یا اقتصادی هم پیدا می کنند و اما در نهایت با آن ها سازش می نمایند و هستند کسانی که از این ها به سازش با رژیم نمی رسند ولی هنوز مدافع سرسخت اسلام و آخوند و انقلاب می باشند. حتماً دیده اید بیشتر رسانه ها و برنامه های سیاسی را همین ها در اختیار دارند و مانند آچار فرانسه عمل می کنند و در نگهداری جمهوری اسلامی بسیار موثر هستند و تلاش می کنند (بیداری) - از جمله آنها که سرشناس تر هستند، مسعود بهنود - فرخ نگهدار - ترتیا پارسی - اکبر گنجی - دکتر کاکایی و مسلمان شان عطاء اله مهاجرانی... هستند).

دلیلش بسیار روشن است. هر دین و آیینی و هر ایدئولوژی مذهبی و سیاسی در طول تاریخ به دنبال پیدا کردن مشروعیت برای پایدار ماندن خویش است، مشروعیت اسلام از الله و محمد و مانیفست آن ها قرآن است و بقیه پایگاه های مذهبی و سیاسی به همین ترتیب برای خود مشروعیت ساخته اند تا پشت خود را به دیوار آن بچسبانند، مسلمان های رده های گوناگون که به ظاهر یا به باطن خود را مسلمان می دانند مشروعیت شان مشخص و معلوم است و به آن می نازند اما این شاخه آخری که مورد بحث این نوشته است از آنجا که مشروعیت سیاسی از نوع شاهنشاهی را که ندارند چون از فرزندان سرسخت انقلاب بودند، با آخوندها هم که سر سازگاری ندارند یعنی آخوندها آن ها را خودی نمی دانند، مشروعیت حزبی و سیاسی محکم و مستقلاً هم که در بیرون از کشور نتوانستند بسازند، به سخن دیگر این گروه هیچگونه مشروعیت از هیچ جهت برای خود ندارند تا به آن اتکاء داشته باشند، آن ها خود را از

همه جا رانده و مانده می بینند، تنها راه برایشان چسباندن خود به اسلام است، اسلامی ناشناخته که نه اسلام آخوندهاست و نه اسلام مومنین، اسلامی که به زعم آن ها اسلام انقلابی است و توانسته جلوی شرق و غرب بایستد، این گروه بدون اینکه مسلمان باشد و واجبات آن را انجام دهد اما مدافع سرسخت اسلام عمل می کند تا بتواند راه برود و زنده بودنش را ثابت کند. این گروه منافق بدترین ضربه را به مبارزات مردم ایران می زنند ...

برگردان از محمد خوارزمی

نویسنده سم هریس انتقاد از انجیل مسیح

امت مسیحی

از زمان انتشار نخستین کتابم به نام «پایان ایمان» هزاران نفر از خوانندگان آن کتاب به من نوشته اند که در مورد بی اساس بودن وجود خدا اشتباه می کنم. بیشتر این انتقادات از سوی مومنین مسیحی فرستاده شده است. این خود علامت و آروانه گویی این جماعت است. چون بیشتر مسیحیان تصور می کنند که هیچ ایمانی درباره ارزش عشق و بخشش، از ایمان آن ها واقعی تر و موثرتر بیان نشده است!

حقیقت این است، تعداد بسیاری از آن ها که باور دارند عشق مسیح زندگی آن ها را دگرگون و بهبود بخشیده دقیقاً به شیوه جنایت کاران تحمل هیچ سخن انتقادی را ندارند و باور آن ها به عشق و بخشش ایمان مسیحی دروغی بیش نیست. کاملاً روشن است که خود انجیل به میزان زیادی از چنین تنفری پشتیبانی می کند! من این را از کجا می دانم؟ از جایی که زشت ترین و آزار دهنده ترین نامه هایی که دریافت کرده ام نویسنده آن نامه ها، استناد به آیه ها و سوره های انجیل کرده اند! در حالی که مخاطبان من در این کتاب همه مومنان در همه مذاهب گوناگون جهان است. در این کتاب من به تمام آن گفتگوها و ایراد های مسیحیان مومن پاسخ می دهم. آرمان من مسلح کردن افراد سکولار یعنی کسانی که معتقد به جدایی مذهب از سیاست هستند می باشد. افرادی که نوشته های مرا بر نمی تابند از همه گروه های مسیحی هستند، مانند کاتولیک ها، پروتستان های اکثریت، اوان جلیست ها، باپ تیست ها، یهوهویست ها و... چون روی سخن من با همه آن هاست نه گروه خاصی از مسیحیان. من بر آن هستم که ادعاها، لاف زنی ها و باورهای جزمی روشنفکرانه مسیحیت را بکوبم (بقیه دارد)

دردناکتر از فرار مغزها، به قدرت رسیدن

بی مغزها است.

محسن رنانی - متفکر درون ایران

مقاله ای بسیار مهم

رنسانس در ایران بالاتر و بهتر از رنسانس اروپا

رنسانس در حال رخ دادن در ایران بالاتر و بهتر از رنسانس اروپا است، رنسانس اروپا فقط جدایی دین از سیاست بود ولی در رنسانس ایران جدایی ایمان از شریعت اتفاق افتاده که خیلی جلوتر از سکولاریسم اروپا است.

بعد از انقلاب به طور ناخواسته یک راه میان بر و تاریخی به سوی توسعه گشوده شده است که نه جمهوری اسلامی خواهان این توسعه بود و نه مردم!

جمهوری اسلامی ناخواسته در تضعیف سنت های قدیمی جامعه گام برداشت و لاجرم جامعه ما به سمت دنیای مدرن کشیده شد. این تحول در اروپا ۴۰۰ سال طول کشید ولی ما در طول ۴۰ سال زمینه های این تحول را در ایران ایجاد کردیم.

این تحول را رضاشاه آغاز کرد و محمد رضاشاه ادامه داد ولی چون آنها برعکس جمهوری اسلامی باعث انسجام و اتحاد تمام نیروهای محافظ سنت بودند که انقلاب اسلامی هم به نوعی حاصل همین حفظ سنت ها بود، نتوانستند سببی برای رهایی مردم از دست سنت های ضد توسعه پیدا کنند.

و مهم ترین خدمت جمهوری اسلامی به مردم این بود که نیروهای حافظ سنت را از هم جدا کرد و سپس یک به یک آن ها را نابود نمود. تحولاتی که در دوران جمهوری اسلامی برای تحقق نوگرایی در ایران رخ داد تحولاتی بود که حتی در ترکیه، پاکستان، مصر و کشورهای با ساختار سیاسی مدرن تر از ایران هم رخ نداده است.

سه مورد اول آن تضعیف، تخریب و حذف حافظان سنت است و تحول چهارم تحول در کیفیت دینداری ایرانیان است. اصلی ترین حافظان سنت را که جمهوری اسلامی از بین برد زنان و روستائیان و روحانیان هستند. سه قشر سنتی که آخوندها از بین بردند.

جمهوری اسلامی نخست زنان را به نیروهای خط شکن در تحولات مدرنیته تبدیل کرد. پهلوی اول قدرت عشایر را از بین برد، پهلوی دوم فتوالبیزم و زمین داران را از بین برد ولی جمهوری اسلامی عامه روستائیان را از بین برد.

سومین حافظان سنت روحانیان بودند که جمهوری اسلامی با تخریب مراجع که با حکومت زاویه داشتند روحانیت را از بین برد. و به این شکل باعث جدایی ایمان مردم از شریعت شد. در طول تاریخ ایران، ایمان و

شریعت به هم چسبیده بودند. اما جمهوری اسلامی کمک کرد تا جدایی ایمان از شریعت رخ بدهد که تحولی بسیار بزرگ بوده است. این تحول بسیار عمیق تراز تحقق سکولاریسم در اروپاست. در سکولاریسم جدایی دین از سیاست رخ داد ولی همانطور که گفته شد در ایران خوشبختانه جدایی ایمان از شریعت بود و مردم نه تنها دین را از حکومت جدا می خواهند بلکه دیگر و اصلا دین نمی خواهند. این پدیده بسیار پیشرفته تر از رنسانس اروپایی هاست.

کوروش سلیمانی

سیری به تورات یهود

اگر و مگرهای ادیان

چرا هنگامی که در زمان نوح پیامبر، دنیا رو به فساد رفت خداوند بخشاینده مهربان تصمیم گرفت که هر بنی بشری و هر موجود جاندار را در روی زمین نابود کند؟ تکلیف بچه هایی که گناهی مرتکب نشده بودند چه می شود.

چرا خداوند آگاه و حکیم از همان اول جلوی فساد را در زمین نگرفت که خودش و نوح را به دردسر بزرگی دچار نکند.

چرا حضرت باری تعالی برای نابودی آدم های فاسد توفان نوح به راه انداخت مگر خودش نمی توانست مخلوق فاسد خودش را تنبیه کند یا اینکه همه انسان های بد و فاسد را به جزیره ای ببرد و در آنجا نگه دارد و نوح پیرمرد را آن همه خون دل ندهد.

نوح فلک زده چگونه می توانست نر و ماده بودن بعضی حیوانات مثل مورچه و پرنده و کرم ها را تشخیص بدهد و از هر کدام یک جفت به درون کشتی ببرد.

خرس های قطبی و حیوان هایی که آن سوی دیگر کره زمین بودند چگونه سر از کشتی نوح در آوردند؟

حیوان های گوشت خوار مانند شیر و ببر با حیوان های خوش گوشت مانند آهو و بره چگونه با هم کنار می آمدند. با بوی ناخوشایند فضولات جمع شده در داخل کشتی چه می کردند. بارش چهل روز باران بر سر حیوانات دیگر چه بود؟

چرا از دایناسورها اثری در بین حیوانات کشتی نوح دیده نمی شده چرا پس از چهل روز یک کبوتر باید به نوح پیام بدهد که یک تکه زمین خشک آن دور و برها پیدا شده، چرا خود خداوند زودتر از سایر موجودات خود، مژده پیداشدن یک تکه زمین را به نوح مشتاق و منتظر نداد؟

دکتر احمد ایرانی

هانا آرت

حقایق درباره دین ها

سه پرده از نمایش انقلاب های ایدئولوژی

در پرده نخست، اکثریت مردم سرمست از ایدئولوژی به دنبال رهبران خود راه می افتند، زنده باد مرده باد می گویند و انگاری که بهشت گمشده خود را یافته اند. آنها ایدئولوژی دلخواه را بدون کوچکترین اصلاحی در آن می پذیرند.

در پرده دوم، واقعیت چهره خود را نشان می دهد و هیچکدام از وعده های رهبران تحقق پیدا نمی کند و مردم از نظام دل زده و مایوس می شوند. در همین پرده است که عده ای به فکر اصلاحات می افتند ولی به دلایل گوناگون اصلاحات صورت نمی گیرد چون اختلاف ها اینجا و آنجا بروز کرده است و یا اصول ایدئولوژی را هم که نمی توان تغییر داد.

پرده سوم از اینجا آغاز می شود. در این فاز متولیان تمامیت خواه از خشونت بهره می گیرند و با مخالفان می جنگند، و از بین همفکران سابق هر کسی را که با آنها کمی زاویه پیدا کند از دایره خودی ها می رانند، تصفیه های گسترده شروع می شود و دایره خودی ها کوچک و کوچکتر و ناکارآمد تر می شود. و برعکس تعداد مخالفین هر روز بیشتر و بیشتر می گردد و نهایتاً سیل اعتراض می آید و همه چیز را با خود می برد. روز از نو و روزی از نو! (بیداری-ایران ما وارد پرده سوم شده است)

پزشکی اعلام کرد، اگر پیکر مرده ها را نسوزانند و همین طور دفن کنند امکان اینکه تا یک ماه مرده در گور زنده شود بسیار است. آنگاه آن مرده که زنده شود با سخت ترین شکل شکنجه و زنده به گور می شود. حتماً وصیت کنید تا پس از مرگ شما را بسوزانند. فرزندان و همسر شما نمی توانند بدون درخواست کتبی شما از این سختی نجات تان دهند. این وصیت کار امروز شما است نه فردا.

از بچگی خیلی دوست داشتم بدانم برق که می رود، کجا می رود، حالا فهمیدم می رود به عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و یمن!

در دنیای امروز ما در بیشتر کشورها جز در سرزمین های سوسیالیستی، دین و مذهب یکی از نیرومندترین و نمایانترین پدیده های اجتماعی-سیاسی به شمار می رود. با وجود این که در چند قرن گذشته علم و دانش باگام های غول آسای به پیش رفته اند و اشتباه بودن بسیاری از اندیشه های دینی ثابت شده است اما هنوز هم در بسیاری از جامعه های جهان، حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی، هواداران دین و مذهب بسیار نیرومندند و رهبران مذهبی در این سرزمین ها قدرت فراوان دارند.

در کشور ما ایران نیز در بیشتر دوران تاریخ طولانی آن، دین و مذهب پدیده بسیار نیرومندی بوده و رهبران مذهبی از قدرت فراوان اجتماعی، سیاسی بهره مند بوده اند. در برخی از دوران های تاریخ ایران، قدرت رهبران روحانی از حاکمان و فرمانروایان بیشتر بوده، برای نمونه در دوران صفویان و قاجاری «ملایان» بزرگترین نیروی اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور بوده اند.

پس از انقلاب سال ۵۷ ایران به شدت دچار آفت «دین زدگی» شد. گروه هایی در لباس روحانی و به اسم دین و مذهب رفته رفته به بزرگترین و سپس به تنها نیروی سیاسی- اجتماعی کشور تبدیل شدند و این دین زدگی که نوعی «سرطان ملی» باید نامید هنوز هم ادامه دارد.

جنایت ها، آدم کشی ها، ستم گری های بی شمار گروهی که خود را «روحانی» می نامند و به نام دین حکومت می کنند سبب شده است تا بسیاری از هم میهنان ما نسبت به پدیده دین سخت بدگمان و بدبین شوند و گرایش های روی گردانی از دین و مذهب در آنان نمایان شود. اما گروه های بسیار دیگری از مردم ما می گویند این جنایت کاران روحانی نمایانی بیش نیستند و دین برای راهنمایی و خوشبختی انسان آمده است نه برای کشتار.

ایرانیان هوادار دین از «اسلام راستین» سخن می گویند و اسلام روحانیان حاکم بر ایران را «اسلام دروغین» می نامند!

آنچه بدون تردید و با اطمینان می توان گفت این است که میزان آگاهی ها و معلومات علمی توده های مردم ایران و حتی درس خوانده های میهن ما در مورد پدیده دین و مذهب بسیار کم است، حتی شاید بسیاری از دانشگاه رفته های ایران نام رشته های علمی «دین شناسی» و «دین شناسی تطبیقی» را نیز نشنیده اند. میزان آگاهی های بسیاری از هم میهنان ما از حد درس قرآن و شرعیات که در دبستان ها و دبیرستان ها درس داده می شد بالاتر نرفته است.

(ادامه دارد)

مسعود نقره کار

هدیان های مقدس (۲) بقیه شماره قبل

نه چندان بلند می گوید بالاخره یک روز این پرسش من را باید جواب بدهید که شما از جان ما چه می خواهید، شما ماموران کلیسا هستید یا خدایان المپ؟ شما حق ندارید پرسش ما و دوست مرا بی پاسخ بگذارید و او را از سالن بیرون کنید، من عاشق کلیسا هستم اما این مرد و زنش را دوست ندارم، این زن و شوهر فریبکار و عوام فریب هستند، در انجیل شریف آمده که هیچ کس نمی تواند بنده دو ارباب باشد، چون یا از اولی بدش می آید و دومی را دوست دارد یا به اولی ارادت دارد و دومی را دوست ندارد. شما نمی توانید هم بنده خدا باشید و هم در بند مال!

این بیمار راست می گوید که کلیسا را دوست دارد، هر از گاهی می رود بر آستان در ورودی کلیسا بر شیشه های کوچک رنگی در چوبی می کوبد و فریاد می زند: با ما مهربان تر باشید، ما بندگان برگزیده خدای تان هستیم، کشیش های پیشین با ما مهربان تر بودند، آیا ما به جای مکان الرحمان و الرحیم به جایگاه الجلال والعظیم آمده ایم.

اینجا کلیسا است یا مسجد و کنیسه و معبد؟ صدای مرا می شنوید فریب کاران عوام فریب؟ پاسخی نمی شنود. جلوی در کلیسا دخترک که به نظر پنجاه ساله می آید صدایش را بالا می برد و می گوید: ای کلیسای تان از غار مخپلا گورستانی تر (مخپلا نام گورستانی در کرانه باختری رود اردن است) من شکایت شما را به کشیش «گوستاودوره» خواهیم برد افسوس که او از این کلیسا رفت، اما او باز خواهد گشت، اینجا کلیسای پر درآمدی است. کشیش کارپنتر کشیش دجالی است او روحی است که عیسای مجسم شده را انکار می کند، اما مسیح رجعت کرده او را از پای در خواهد آورد. این کشیش جوان و زیبا روست اما ساحر و فتنه برانگیز و خدعه گر است، که در مقابل مسیح قد علم کرده است، او دارای امکانات مادی فراوانی است. زن گویی از حرف زدن خسته شده با آرامش از کلیسا بیرون می آید، کار هر روزه اش همین است سری به کلیسا می زند و در برگشت به بیمارستان از پمپ بنزین سر راهش قهوه ای تازه دم می خرد در راه برگشت با خودش حرف می زند... ای از همه چیز آگاه، ای همه جا حاضر، ای معشوق من، تو ظهور مبارک و پر جلال هستی که تخت سلطنت ات تا ابد پایدار خواهد ماند. از سه چهار راه که می گذرد ماشین ها برایش بوق می زنند.

«می خواهید مرا بلند کنید؟ من فاحشه نیستم، ای فاحشه ترین مردان، ای ندانم گرایان رذل، قلب هایتان خالی از عشق خداست، قلب تان را لبریز از او کنید، من اگر روسپی هم بودم این زیبایی را در راهی فدا می

کردم که چون کشیشها ستایش برانگیز شوم. من قربانی شما فاحشه های نر نمی شوم که شادی خودتان را با بوق های ماشین تان جشن می گیرید. دخترک برای رسیدن به باغ تیمارستان از جلوی دو مغازه دو دهنه رد می شود که با چراغ های نئون تزئین شده اند و شب و روز روشن هستند یکی «سکس شاپ» و دیگری گل فروشی است. سکس شاپ پر مشتری تر از کلیسا و گل فروشی است، با کمی فاصله از سکس شاپ هتلی کوچک به نام هتل رمضان با معماری عربی با دو مناره در آستانه در ورودی و سقفی گنبدی ساخته اند، مناره ها و سقف کاشی کاری شده اند، خانواده بیماران تیمارستان که اکثر آنان از شهرهای دور برای دیدار بیمارشان می آیند مشتری های این هتل هستند و به احتمال زیاد از اتاق های هتل رمضان مشتریان سکس شاپ ها نیز با زن هایی که به همراه می آورند استفاده می کنند.

گل فروش برای دخترک دست تکان می دهد، دخترک هم برای او دست تکان می دهد و می خندد و به جوان سیاه پوست گل فروش می گوید: کشیش کارپنتر می گوید، هر گاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند در دل خود با او زنا کرده است پس اگر چشم تو باعث گمراهی ات می شود آن را بیرون آور و دور انداز، زیرا بهتر است که تا با تمام بدنت به جهنم بروی. گل فروش دو چشم اش را می بندد و با چشمان بسته برای او دست تکان می دهد و هر دو می خندند. دختر با صدایی بلند می گوید: دیدی زناکاران برای من بوق می زدند و از من سکس طلب می کردند. آن ها پیش از اینکه سراغ من بیایند زن جوانی را به گناه عشق بازی سنگسار کرده بودند اما تو دیدی که آمده بودند تا با من زنا کنند. (ادامه دارد)

یک خدای بدون تغییر و فیکس با مخلوقی که هر روز تغییر می کند کارش به مانع برمی خورد و جنگ و جدل شروع می شود. پروردگار (راکد و ثابت) مانع کار و زندگی و خوشحالی انسان (رونده و متغیر) می شود، دستور دست و پا بردن او تا ابد لازم اجرا می باشد، امر به اعدام و شکنجه او را کسی نمی تواند عوض کند. چنین خدایی را نمی توان پرستید، او خدای مهربان نیست بلکه توهمی است ترسناک.

اسماعیل وفا یغمایی

احد قربانی دهناری - سوئد

کارکرد اجتماعی دین

در آغاز قرن بیستم پاپ پیوس دهم در بخشنامه ای مدرنیزاسیون را «دشمن مسیحیت» معرفی کرد و شورای هوشیاری مخفیانه ای برای پاکسازی آموزه های کلیسا از عناصر مدرنیسم به همه اسقف نشین ها اعزام کرد. او استدلال می کرد که ایمان واقعی به واقعیت های الهی مربوط می شود که برای علم این واقعیت ناشناخته است!

پیامبر اسلام در قرآن از قول خدا می گوید، در قرآن توضیح درباره همه چیز وجود دارد! و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء... (سوره نحل آیه ۸۹) این کتاب را بر تو نازل کردیم که روشنگر همه چیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت است!

و مسلمانان باور دارند این کتاب ره نموده های فراوان برای یک مسلمان دارد و لازم نیست آن ها کتاب های دیگر غیر از قرآن را بخوانند. در قرآن منظور از علم هم فقط علم دینی است نه دانش پزشکی و فضایی و علوم دانشگاهی.

در تفسیر عیاشی می خوانیم، قال النبی من ابتغی العلم فی غیره اضله الله. کسی که برای علم به غیر از قرآن مراجعه کند خدا او را گمراه می کند. حتی مولوی بزرگ ما نیز نظرش را از کتاب های علمی روشن تر بیان می کند.

خرده کاری های علم هندسه - یا نجوم و علم طب و فلسفه

کان تعلق با همین دنیا ستش - ره به هفتم آسمان بر نیستش!

این همه علم بنای آخور است - که عماد بود و گاو و اشتر است!

بهر استیفای حیوان چند روز - نام آن کردند گیجان رموز

علم راه حق و علم منزلش - صاحب دل داند آن را با دلش

در جای دیگر مولوی بزرگ با عفت کلام بی نظیری که ویژه مومنان اسلامی است می فرماید:

زاهد هزاران ساله را - پوزبندی ساخت آن گوساله را

تا نتاند شیر علم دین کشید - تا نگرده گرد آن قصر مشید

علم های اهل حس شد پوزبند - تا نگیرد شیر از آن، علم بلند

منظور مولوی این است، همانگونه که پوزبند مانع رسیدن گوساله به شیر از پستان مادر می شود، علوم تجربی و علوم مبتنی بر حس های پنجگانه هم پوزبندی است برای اندیشمند و پژوهشگر در رسیدن به حقیقت!

در اسلام بیسوادی ستوده شده است، به طوری که یکی از برتری ها و حتا معجزه های پیامبر اسلام بیسوادی او می باشد. خدا در قرآن بی سوادی محمد را یکی از دلایل اثبات حقانیت محمد می شمارد. وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُ بِیَمِیْنِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ عنكبوت آیه ۴۸) تو

هیچ کتابی را پیش از خواندن قرآن نمی خواندی و نمی نوشتی و گرنه باطل اندیشان قطعاً به شک می افتادند.

جای خوشبختی است که مردم ایران عربی نمی دانند تا تمامی خرافات دردناک این کتاب در جامعه پا بگیرد. به چند خرافه قرآن اشاره کوتاهی می کنیم.

انسان با قلب فکر می کند نه با مغز (حج-۴۶) - آسمان دارای سقف است و ستون های نگهدارنده دارد، بدون روزه و هفت طبقه است (انبیاء-۳۲) (غاشیه-۱۸) (فاطر-۴۱) ...

جنین کودک در دوره ۶ ماهه حاملگی کامل می شود (المومنون-۱۲) (اعقاف-۱۵) (لقمان-۱۴) خلقت جهان در جایی ۶ و در جای دیگر ۸ روز صورت گرفته است (سجده-۴) (فصلت-۹ و ۱۲) خورشید حرکت می کند و روز و شب را به وجود می آورد، خورشید هر شب در چشمه های تیره غروب می کند (کهف-۸۳) زمین مسطح است (غاشیه-۲۰) منی آب کثیف است و از بین ستون فقرات و دنده ها بیرون می آید (سجده-۸ و اعراف-۱۷۲).

قرآن کم و بیش هر گاه به پدیده های طبیعی، علمی و تاریخی اشاره کرده غلط، ناقص، خرافی و ضد علمی است.

مسلمانان طی ۱۴۰۰ سال هیچگونه پیشرفت فکری نداشته اند، اگر در ۱۲۰۰ سال پیش که قرآن نوشته شد در آن به مرد اجازه تنبیه کردن زن داده شده و امروز پس از آن همه سال و قرن و در قرن فضا و تکنولوژی و فهم و دانش طالبان و داعش و بوکو حرام و حزب اله و بسیج زن را پیچیده در پارچه و جنس دوم و... می دانند. در افغانستان به دلیل مخالفت طالبان با واکسن که واکسن فلج اطفال موجب بی غیرتی کودک می شود باعث شده اند نزدیک به ۴ میلیون کودک از زدن واکسن بیماری فلج کودکان امسال باز مانند بنیاد گرایان مسیحی در کشورهای پیشرفته گرمایش زمین را انکار می کنند تا در برابر خواست و اراده خدا قرار نگیرند!

مومنان نظریه تکامل داروین را رد می کنند، نه به این دلیل که خود پژوهش کرده اند و یا حتی این نظریه را با دقت خوانده باشند بلکه از این رو رد می کنند که در کتاب های مقدس شان به وجود آمدن انسان طور دیگری توضیح داده شده مانند آفریدن حوا از دنده چپ آدم!

مذاهب ابراهیمی در ارائه ساختارهای اندیشه کش مهارت بی نظیری دارند.

ما ایرانیان بیرون از کشور تقریباً تماماً اراده ملی خود را از دست داده ایم و ایران را رها کرده ایم، اگر چه ظاهراً اشک تمساح می ریزیم و برای مردم گرفتار ایران آه می کشیم و افسوس می خوریم! از عمل کار بر آید به سخنرانی نه!

جواد طباطبایی

کردید؟
سید جواد طباطبائی استاد دانشگاه در زمینه تاریخ، سیاست و فلسفه در ایران است.

یهودی ها به ما بدهکارند

آقای روحانی رئیس جمهور محترم، ما به یهودیان بدهکاریم نه آنها به ما! شنیدم که در چند جا گفته اید یهود نسبت به ما بدهکار است، یعنی ما ایرانی ها منجی یهود در بابل بودیم و آن ها همیشه مدیون ایران و ایرانی هستند.

پیش از ورود به بحث بدهی یهودیان از شما می پرسم، ازکی تا حالا شما ایرانی شده اید! و از چه زمان طرفدار کورش شده اید، شما حتی یک خیابان را نتوانستید به نام کوروش ببینید، شما که اجازه نمی دهید در روز کوروش کبیر مردم بر سر آرامگاهش جمع شوند غلط می کنید که میراث خوار او می شوید.

اگر یهودی ها هر شنبه در کنیسه های شان برای کوروش دعا نمی کردند، ما و شما نمی دانستیم اصلاً کوروش وجود داشته! شما کدام یهودی را نجات دادید، قرن هاست که یهودیان به دست مسلمانان تندر و کشته می شوند، هنوز فاجعه ی معروف به رخداد (الله داد) که یهودیان مشهد را به زور شمشیر مسلمان گردید از خاطر محو نشده است. بعد از انقلاب هم که برای بدست آوردن اموال شان هزار تهمت که به آن ها بستید دار و ندارشان را مصادره کردید و برخی را کشتید بقیه را هم فراری دادید. شما از یهودی ها طلب کارید یا آنها که با دانش خود تا به حال بیش از صد و هشتاد جایزه نوبل دریافت کرده اند. شما حتی اگر یک بار از «سرنگ» برای تزریق دارو و واکسن استفاده کرده باشید که حتماً کرده اید به یهودیان بدهکارید. همه بچه های ایرانی که به فلج اطفال، سرطان خون، یرقان، نقصان کار در عدد ترشخی، امراض عضلانی، بهبود یافته اند مدیون یهودی ها هستند، کاشف قرص ضد حاملگی، کاشف شناسایی بچه در شکم مادر، دیالیز کلیه ها و... و... همه کلیمی ها بوده اند آیا شما به آن ها بدهکارید یا آن ها به شما بدهکارند این ها چند نمونه بود که خیلی بیشتر از این ها است. نخستین پزشکان در ایران قدیم و جدید بیشتر یهودی ها بودند که به سلامت ایرانیان کمک کردند.

آقای روحانی شما که از آغاز حکومت اسلامی در ایران در بخش های امنیتی بودید به خوبی آگاهید در جنگ ایران و عراق، اسرائیل چقدر به ما کمک کرد و چقدر به ما اسلحه داد و پایگاه های اتمی صدام را از بین برد تا از آن ها به روی ایران بمب نیندازند. آیا ساختن ساختمان پلاسکو، آلومینیوم، ملامین، پلاستیک شمال، لوله شمال، یخچال جنرال الکتریک و... و... آن طلب فرضی شما را صاف نکرده است؟ القانیان به ما جز خدمت چه کرده بود که اموالش را گرفتید خودش را هم اعدام

بزرگ امید

جادوی دین بد

نیرنگ و نا پاکی در زهدان بدکیش دارندگان ردا و دستار و منبر و تقلید و تقیه نهادینه شده است تا ایرانی را از باور به نیکی و پاک و راستی و بازگشت به خویشتن خویش باز دارد. نمونه های خرد خوار و جگرسوز، بیش از آنی اند که به شمار آیند.

زهدان زهرین بدکیش در روند شوم ۴۳ ساله ورم کرده و دارد می ترکد تا بینش نوین ایرانی در رستن از دام دد، پوستی تازه اندازد و روزگاری نو بیآغازد.

از رده ی هوشیاران بیدار مان که بگذریم هیچ منگ و ملنگی میان ما نمانده که شرمنده ی چهارده سد ننگ فرمانفرما بر ایران مان نباشد. روان بیمار پریشی که رگ و ریشه ی زهدان بدی را هنوز نشناخته و سنگ آیین بیابانی به سینه می گوید، باید خود را به نزدیکترین روانکاو نشان دهد تا مایه ننگ ایران و ایرانی نماند.

این کیش بد آمده تا با خوبی و زیبایی و برزندگی ایرانیان بستیزد، با شادی و فرخندگی و خجستگی بجنگد، خرد و فروتنی و بزرگواری را بر افکنده تا تباهی و خودکامگی و پریش اندیشی را میدان دار کند.

هر آدم بیداری که امروز خود را ایرانی ی وابسته به پیشینه ی تاریخ و فرهنگ این آب و خاک می بیند باید بر خیزد و نهاد ننگ کهنه را از بیخ و بن در ایران براندازد.

در دوره شوم ۱۴۰۰ ساله کی و کجا یکی از این تبار خود باخته گامی سازنده به سود آدم ایرانی برداشته است. آرمانی چنین دنگ که جز پلشتی و پلیدی نژاده باید برانداخته شود تا شهروند درد کشیده ایرانی در پرتو آزادی اندیشه بتواند به فردای بهتر فرزندان خویش برسد.

از پیروز نهادندی و بهزاد همدانی و بهمن جاذویه و خداوند ماه نخشب و سرخ و سیاه و سپید جامگان و حلاج و قاضی القضاات و حسنک وزیر و رازی و سهروردی تا هزاران هزار جانباخته زن و مرد همه پرسش گران و دلاوران بیباک همین آرمان بوده اند.

خطرناک ترین نوع بشر کسی است که فهمش کم

و اعتقادش زیاد است. آنتوان چخوف

اوشو فیلسوف هندی

آرزو صفایی

ما زندگی نمی کنیم که فقط پیر شویم

پرسشی درباره قرآن

مسلمانان گرامی، چند آیه شفاف و ساده قرآن را نشان دهید که نیاز به هیچ تفسیری نداشته باشد! و هیچ آیه دیگری در تضاد با آن در قرآن پیدا نشود! و در بین این همه آیه، آیه ای را نشان دهید که دم از دوستی و عشق و محبت بین انسان ها بزند، چرا در قرآن از بیماری های روانی و طرز معالجه آن سخنی به میان نیامده و اشاره ای به ضمیر ناخود آگاه و انرژی های شناخته نشده و شخصیت سالم و ناسالم نکرده است. چرا نام اعضای داخلی بدن و بیماری های جهانگیر مانند الزایمر و دیابت و ام اس و بسیاری از بیماری های دیگر در قرآن دیده نمی شود. چرا درباره سرخپوستان کوچکترین اطلاعی ندارد و سخن نمی گوید، کتاب های اول و دوم دبستانی ما که بیشتر از قرآن آگاهی به انسان می دهد. مگر ادعا ندارید قرآن آخرین کتاب و کامل ترین کتاب است، چرا هیچ گونه راهنمایی برای زندگی بهتر انسان ها در آن دیده نمی شود جز اینکه دغدغه نیازهای جنسی مردان را داشته که چند تا زن بگیرند و چگونه زن ها را تنبیه کنند اگر امیال جنسی آن ها را برآورده نکنند. (گویی فقط مردان نیاز جنسی دارند). قرآن و الله که پاسخگو نیست. مسلمانان باید پاسخ های ساده را درباره کتاب آسمانی و مقدس خود بدهند.

انسان روح ندارد، جان دارد

جناب آقای پرویز صیاد هنرمند انتلکتوئل ما در مراسم یادبود درگذشت آقای پرویز کاردان چند بار جمعیت را به گفتن جمله، پرویز کاردان روح شاد، روح شاد دعوت کرد و مردم هم که گویی روح منی خمینی می خوانند، فریاد زدند روح شاد، روح شاد!

جناب آقای صیاد، روح یک مقوله مذهبی است نه واقعی مانند آنجا که مذهب می گوید خداوند جهان را ظرف ۶ روز خلق کرد، زن از دنده چپ مرد خلق شد و هزاران مزخرف دیگر که در کتاب های آسمانی آمده است.

جناب آقای صیاد، ترویج خرافات کار مداحان و روضه خوان ها است نه کار هنرمندان. تا هنرمندان ما عوض نشوند و تا رسانه های ما درست نیندیشند و ننویسند عوام حق دارند که عوض نشوند و به آخوند سواری بدهند.

امامت بالکل بر خون استوار است، بیشتر از خلافت.

یغمایی

انسان به دنیا آمده تا با تلاش خود زندگی را محقق سازد. اما همه این ها به خود او بستگی دارد. انسان می تواند فرصت زندگی کردن را از دست بدهد و فقط نفس بکشد و غذا بخورد و پیر شود و در سراسیمگی گورسرازی بر گردد.

این زندگی نیست، این مردن تدریجی است، یک مرگ گام به گام هفتاد، هشتاد ساله که از گهواره تا گور چون میلیون ها تن دیگر به مرگ تدریجی تن می دهیم. و از آن ها تقلید می کنیم. آری ما آدم ها پیوسته در محاصره مردگانیم!

ابتدا باید ببینیم منظور از زندگی چیست تا بدانیم چکار کنیم، ما بایستی در زندگی رشد پیدا کنیم نه اینکه فقط پیر شویم. پیر شدن از هر حیوانی برمی آید ولی رشد کردن امتیاز ویژه انسان است و فقط عده معدودی مدعی این امتیاز خاص هستند.

رشد کردن یعنی حرکت پیوسته به اعماق و اصل زندگی، یعنی دور شدن از مرگ و نه نزدیک شدن به آن. هر چقدر در زندگی عمیق تر شوید جاودانگی درون خود را بیشتر در خواهید یافت. و لحظه ای فرا می رسد که می بینید مرگ چیزی جز دگرگون شدن نیست و مرگ ترسناک فعلی را دیگر نخواهید دید.

مرگ بزرگترین پدیده خیالی و باطلی است که وجود دارد. برای اینکه معنای رشد را بفهمید کافی است رشد یک درخت را در نظر بگیرید، همانگونه که تنه یک درخت به سمت بالا قد می کشد، ریشه ها به سمت پایین و به اعماق خاک رخنه پیدا می کنند و ورود به خاک را برای خود مرگ نمی دانند و آن را آغاز زندگی و پایداری می پندارند.

از میناب یکی نوشته: ای کسانی که از مرگ امام جمعه ما که در اثر کرونا فوت کرد خوشحالی کردید! خدا کند امام جمعه شهرتان بمیرد تا بفهمید ما چقدر خوشحالیم! امام جمعه شهرتان نمرده که بفهمید چه حالی دارد؟

آدم و حوا مگر دو نفر نبودند، پس چرا ما چهار تا گروه خونی داریم؟ و چطوری شد از دو نفر سفید پوست، سرخپوست و سیاه پوست و زرد پوست پدید آمد و جهان را پر کرد.

مبارک است

گزارشی دردناک از سال های آخر حکومت قاجار

پاییز سال ۱۲۹۶ است، غلات، کمیاب و گران شده، آرامش شهرها با ازدحام، درگیری و خونریزی در برابر ناوایی ها، به هم ریخته. در کوی و برزن، حمله دست جمعی گرسنگان به افراد عادی شده، ناواهایی که هنوز تعطیل نشده اند، آرد را با کلوخ و خاک اره مخلوط می کنند.

دکتر وایلدن آمریکایی که در ایران است در نامه اش به کمیته امداد آمریکا می نویسد: اگر صحنه هایی را که امروز در مسجد ارومیه دیدم، می شد فقط برای ۱۰ ساعت به میدان مدیسون نیویورک انتقال داد، هر روزنامه ای در آمریکا فجیع ترین صحنه جهان را گزارش می کرد، بی نوایان غوطه ور در گنداب از سرگرسنگی بر سر لاشه مردار به جان هم افتاده اند.

یک ژنرال آمریکایی فرمانده نیروهای بریتانیا در شمال و غرب ایران گزارشی می دهد: مردم ایران مثل گاو در مراتع می چرند، مواردی از آدم خواری گزارش شده است. مردم از روی اجساد می خورند.

اگر کسی از بی تفاوتی خاص مشرقی ها که می گویند «خواست خداست» برخوردار نباشد نمی تواند این صحنه ها را تحمل کند. بهای غله و علوفه بر اثر خریدهای ما بالاتر رفته و هر افزایش به معنای مرگ بسیاری از مردم است.

سرگرد داناهاو افسر اطلاعاتی انگلیس در گزارش خود می نویسد، آدمخواری تاکنون در ایران ناشناخته بود و برای همین مجازاتش در قوانین پیش بینی نشده است. کودکان از جلوی خانه ها ربوده می شوند. نظمیه ده کودک خوار را بازداشت کرده است. دوزن برای پختن دختری هشت ساله سنگسار شدند. وقتی بچه های اسکلتی برای تکه ای نان دوره ام می کنند، دچار وحشت می شوم از اینکه شاید سرنوشت این بچه ها دیر یا زود جوشیدن درون دیگ باشد (متأسفانه ادامه دارد).

آیا جمهوری اسلامی مردم ما را به همان سوی می برد؟

**اتحاد مردم درون ایران شاید اپوزسیون
بیرون را هم به سر غیرت آورد
و همبسته شوند.**

کار تجارت فحشا از صحن امام رضا به بیت رهبری رسید چند روز پیش محمد باقر قالیباف رئیس مجلس به همراه کمیل خجسته برادرزاده همسر علی خامنه ای خبر از تشکیل سازمان همسریابی «همدم» دادند. این نوع کارهای دلالی در همه جای دنیا دیده می شود اما این یکی اولین بار است که چنین کاری با مشارکت مجلس و بیت رهبری به راه می افتد و امیدوارند کسب و کار پردرآمدی خواهند داشت.

رونمایی از سازمان «همدم» در پی توصیه های مکرر رهبر برای افزایش جمعیت و فرزندآوری برای ازدیاد لشکر اسلام شیعی است بدون اینکه این رهبر بی فکر کوچکترین اقدامی در جهت حل مشکلات معیشتی و نیازهای اولیه زندگی جوانان کرده باشد او فکر می کند مشکل مردم ایران کمبود رابطه جنسی است! اپلیکشن «همدم» ادعا می کند در مدت کمی دست آقایان را در دست خانم ها قرار می دهد! برای راه اندازی این دستگاه که از مردم برای جفت و جور شدن پولش را می گیرند بودجه دولتی هم به مبلغ ۳۶۱ میلیارد تومان (حتما برای دله دزدی های پایین دستی ها). جالب است وزارت ورزش جوانان هم با این پروژه همراه می کند! در بالای سر در سایت «همدم» از قول علی پدر امام حسین و امام حسن نوشته «بهترین وساطت ها این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود» این هم مهر و امضای امام علی که جای گله ای باقی نماند و کسی جرات نکند بگوید آیا رهبر کشور ما واجب تر از این کاری ندارد تا انجام دهد؟

مرگ تو از لحظه ای آغاز می شود که در برابر

آنچه مهم است سکوت می کنی.

مارتین لوترکینگ - رهبر سیاهان آمریکا

اگر می خواهید سوگند بخورید

به خاک، به آب، به هستی، به خورشید و به

طبیعت سوگند بخورید که به شما زندگی

بخشیده اند و هر لحظه از آن ها بهره و لذت

می برید نه به امام و پیامبر و خدای فرضی.

بزرگان واقعی در غربت

آن کس که برای سرفرازی مردمش از مال خود بگذرد
از جان خود هم می گذرد

در بیرون از میهن در حیطه کارانتشار بیداری که یک کار سد درسد ملی، ایران دوستی و آگاهی دادن برای سرفرازی ایرانیان است یکی از مهمترین بخش های آن رساندن این ماهنامه به دست هم میهنان است. چون ایرانیان در سراسر جهان پراکنده هستند.

در کار سخت رساندن بیداری مجانی بدست مردم به جز چند کتابفروشی ایرانی در لس آنجلس و چند فروشگاه مواد غذایی ایرانی در شهرهای بزرگ آمریکا و یکی دو تن از ایرانیان که دفتر حسابداری و فروش بیمه دارند سه تن از نامدارترین پزشکان سرشناس ایرانی هم که هر سه به سختی نگران وضع سیاسی ایران و هم میهنان شان می باشند سال هاست که بیداری را در مطب های خود بدست مردم می رسانند (برعکس سایر پزشکان که مطب های شلوغی هم دارند و مجلات دیگر را بجز بیداری برای بیماران اتاق انتظار روی میز می گذارند) علاوه بر آن این سه پزشک ایران دوست در حد خود هر ماهه برای انتشار بیداری بجز پخش آن، کمک مادی نیز می کنند. در مطب های این سه پزشک پس از کتابفروشی ها و چند دفتر دیگر ایرانی، بیشترین تعداد بیداری به دست هم میهنان مشتاق می رسد.

میهن دوستی این سه پزشک در میان خیل پزشکان ایرانی انسان را به تعجب و امیدارد که از همان سال های نخستین، کار ما را تایید و به یاری ما آمدند.

افسوس که این سه پزشک علاقه ای به معرفی نام نامدارشان ندارند و کار آن ها صرفاً از شدت ایران دوستی فوق العاده آن ها می باشد.

این سه پزشک یکی در نیویورک، یکی در لس آنجلس و سومی در سن دیاگو مطب دارند و از بهترین متخصصان رشته های گوناگون پزشکی هستند. اضافه بر کمک های ماهانه این سه پزشک ارجمند چهار تن دیگر هستند که نزدیک به ۲۰ سال است هر ماهه بدون وقفه بترتیب یکی شان ۲۰ دلار و دو تن شان ۲۵ و ۴۵ و نفر چهارم که یک مغازه کوچک اسماگ دارد هر ماه ۱۰۰ دلار که مجموعاً ۱۹۰ دلار می شود برای انتشار بیداری و گرفتن فقط یک نسخه پرداخته اند، در بین این چهار تن خانم سالمند خانه داری است که از حقوق ۸۰۰ دلاری اش که تنها زندگی می کند ۲۰ دلارش را میپردازد و بارها از این بانوی بزرگواری خواهش کرده ایم چک نفرستد اما قبول نمی کند. یک بزرگمرد نادیده و ناشناخته دیگر نیز در شمال کالیفرنیا سه سالی است هر گاه ما به وضع بسیار بد مادی دچار می شویم

که بیداری به آستانه تعطیلی می افتد دست ما را می گیرد و برای یکی دو ماهی کل هزینه انتشار و بدهکاری هامان را می پردازد که اگر ایشان نبودند سال گذشته کار انتشار بیداری به پایان رسیده بود. گفتنی است که ما به جز پزشک عالیقدری که در سن دیاگو و در همسایگی ما می باشد و ایشان را یکی دو بار به هنگام رساندن بیداری به مطب شان دیده ایم سایر هم میهنان یاری دهنده هیچ کدامشان را نه دیده و نه از نزدیک می شناسیم.

آیا به نظر شما خوانندگان منصف بیداری به ویژه آن ها که در ایران از طریق اینترنت بیداری را دریافت می کنید برای داشتن چنین هم میهنان با گذشت و عاشق ایران نباید افتخار کرد و نباید در برابر ایران دوستی آن ها سر تعظیم فرود آورد؟ ما بدینوسیله این هشت تن را میستاییم و سپاسگزار مهر بی پایان آن ها هستیم.

از لحاظ مادی کمک های این یاران سی تا چهل درصد هزینه های روزافزون ماهانه بیداری را تامین می کند که بقیه آن را هم با یاری های پراکنده سالی یک بار و دو بار برخی دیگر از خوانندگان گرامی که حتی بعضی دو یا سه سال یک بار مبلغی برای حق اشتراک خود می پردازند تامین می کنیم و همانطور که گفته شد کمبودها هم که جمع می شود آن دوست شمال کالیفرنیا بی می پردازد تا چرخ ادامه کار بیداری از حرکت باز نماند. راه ترسناک و سختی را که ما به همراه نویسندگان ثابت قدم و شجاع بیداری رفتیم هیچ نشریه و نویسنده دیگری دنبال نکرد، چون این راه علاوه بر اینکه سود مادی ندارد، زحمت زیاد دارد، خطرناک هم می باشد. نویسندگان بیداری نه تنها خود که جان خانواده خود را هم به خاطر آگاهی رساندن به هم میهنانشان به خطر انداخته اند. زنده یاد دکتر کوروش آریامنش که دست به انتشار ماهنامه ای مانند بیداری زد بدست مزدوران جمهوری اسلامی در پاریس ترور و کشته شد و بلافاصله ما ابتدا کانون فرهنگی خرافه زدایی را تاسیس کردیم و سپس به انتشار ماهنامه بیداری پرداختیم و خوشبختانه مورد استقبال وسیع هم میهنان در سراسر کشورهایمان که ایرانیان ساکن شده اند قرار گرفت. اما همانطور که قابل گفتن نیست مردم ما متأسفانه دنبال نشریه مجانی هستند و اینجاست که ارزش یاری دهندگان بیداری ظرف بیست و یک سال روشن می شود و ایران به خاطر وجود اینگونه افراد فداکار است که در عرصه های گوناگون تاریخ اش ادامه پیدا کرده است. به امید روزی که ایران ما آزاد شود و بتوانیم نام یاری دهندگان به بیداری را بنویسیم تا موجب افتخار و سربلندی فرزندان آن ها شود. به امید آن روز.

پشت هر آخوند موفقی، کلی آدم نفهم

و بی شعور هست.

ایران شهر

**بهره بزرگ انتخابات اخیر برای
مردم ما ریخته شدن ترس ۴۳ ساله
آن ها از رژیم لعنتی بود و بلافاصله
کارکنان صنعت نفت هم دست به
اعتصاب زدند.**

**برای خواندن کتاب های روشنگری و ضد خرافات دینی
دکتر احمد ایرانی از راه زیر اقدام کنید:
در Google یا Farsi Book و سایر جاها بنویسید:
Dr. Ahmad Irani Books**

خوانندگان گرامی بیداری، کتاب های ارزشمند زیر را از آمازون سفارش
دهید تا از زحمات دکتر بهمن ورزا نویسنده توانا قدردانی شود
Which god is creator of universe?

**بازتاب فکری در دین
بررسی مذهب از دیدگاه خرد و دانش
کدام خدا آفرینند جهان هستی است**

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

آب علی!

آیا درست است یک ایرانی با علاقه لیوان دوغی به نام آب علی را
سر بکشد بدون اینکه توجهی به نام دوغی که سر می کشد داشته
باشد.

آیا در عربستان زادگاه علی و عمر و محمد جز شاش شتر، آب علی
یا آب محمد و آب عمر می فروشند و می نوشند که ایرانی بدسلیقه
و نادان نام فرآورده خود را آب علی گذاشته است.
این همه نام زیبای فارسی داریم، آب کارون، دوغ سهپند یا سبلان،
آب دماوند و مانند این ها.

دوغ آب علی را بدهید آخوندها بخورند که خدمتگزاران اعراب
بدسابقه و کشتارگران نیاکان ما هستند.
ما را یک جرعه دوغ یا آب کوه های دماوند و دالاهو و چشمه های
ایران مست می کند نه شاش شتر یا آب یک عرب دشمن.

**بهترین راه به دست آوردن بیداری از راه پست است.
858-320-0013 bidari2@Hotmail.com**

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O. Box 22777
San Diego CA 92192
U.S.A.